

پیشگامان نوسازی آسیا-۵

# مالزی: مرد سرکش در زمانه آشوب

باری وین

مترجمان؛ جواد قربانی آتانی، سمیرا صادق ابدلی

۷	درباره مجموعه پیشگامان نوسازی آسیا
۱۳	مقدمه
۲۳	فصل ۱ / از طردشدگی تا نخست‌وزیری
۵۹	فصل ۲ / رویای کشوری مدرن
۹۱	فصل ۳ / ادغام شکننده تجارت و سیاست
۱۰۳	فصل ۴ / رسوایی
۱۲۷	فصل ۵ / بزرگ، بزرگ‌تر و انفجار
۱۳۷	فصل ۶ / سلطان بی‌تاج و تخت
۱۵۱	فصل ۷ / غریوی جنجالی برای جهان سوم
۱۷۳	فصل ۸ / نابودی جانشین برگزیده

## فصل ۱ از طردشده‌گی تا نخست‌وزیری

کنش سیاسی در مالزی تازه استقلال‌یافته نیاز به اعصاب پولادین داشت، چرا که بحران‌های سیاسی پی‌درپی از راه می‌رسیدند. در حالی که مالزی بر مبنای نظام پارلمانی بریتانیا شکل گرفت، اما از لیبرال‌دموکراسی دور شد. احزاب سیاسی مخالف در انتخابات پی‌درپی بر سر قدرت رقابت می‌کردند، اما موانعی که بر سر راهشان بود، شکست جبهه ملی<sup>۱</sup> را برای آنها تقریباً غیرممکن ساخته بود. رقابت سیاسی جدی که در سال ۱۹۶۹ در یومنو اتفاق افتاد، در شرایطی بود که حفظ جایگاه این حزب در ائتلاف حاکم بیش از انتخابات عمومی در اولویت اهمیت قرار داشت. اعضای یومنو باید رئیسی انتخاب می‌کردند که به‌طور خودکار نخست‌وزیر نیز می‌شد. بعد این شخص باید وزرای کابینه خود را انتخاب و وزیر ارشد هر ایالت را تعیین می‌کرد. به رسم قدیم، معاون رئیس‌جمهور جانشین مسلم رئیس حزب محسوب می‌شد.

دکتر ماهاتیر چندان بهتر از تونکو عبدالرحمن که او خود از منش دیکتاتور مابانه‌اش انتقاد می‌کرد، به نظر نمی‌رسید. وی در ۱۹۷۱، قبل از نخست‌وزیری خود، عملکرد تونکو را در مقاله‌ای نقد کرد. حال پس از انتصاب به نخست‌وزیری خود همان روش را در پیش گرفته بود، با این

---

1- National Front (Barisan Nasional):

جبهه‌ای که از ائتلاف سه حزب در ۱۹۶۹ تشکیل شد: سازمان ملی مالایی‌های متحد (یومنو)، انجمن چینی‌تباران مالزی و کنگره هندی‌تباران مالزی. در ۱۹۷۲ حزب اقدام خلق مالزی نیز به این جبهه پیوست. ویراستار.

تفاوت که سنجیده‌تر، قاعده‌مندتر و موثرتر عمل می‌کرد. ماهاتیر اظهار کرد که نخستین اقدام تونکو در یومنو،

تلاش برای اصلاح اساسنامه حزب بود تا به این وسیله به رییس حزب حق انتخاب دبیرکل و انتصاب شش عضو دیگر شورای اجرایی داده شود. این اصلاحات ترفندی بود تا از طریق آن، مدیریت کامل حزب به دست ریاست آن بیافتد. این اصلاحات حاکی از پایان شیوه دموکراتیک در حزب بود. برای اطمینان از اینکه ریاست حزب دچار چالش نشود، شعب یومنو در ۱۱ ایالت مالزی به شعب کوچک متعددی تقسیم شدند. رییس حزب حق انتخاب همه کاندیدهای انتخابات را تصاحب کرد و بدین ترتیب جایگاه خود را محفوظ و مستحکم ساخت. این بازگشت به فئودالیسم منجر به این شد که رییس حزب جانشین خود را به روشی کاملاً فئودالی مشخص سازد.<sup>۱</sup>

در حالی که به نظر می‌رسید تنگکو رزالیق، نایب‌رئیس اول حزب، رهبری یومنو را در زمان بازنشستگی حسین اون در سال ۱۹۸۱ بر عهده گیرد، مانور سیاسی ماهاتیر بذر نفاق و دشمنی را کاشت که بعدها آشکار شد. رزالیق احساس کرد که دوباره رودست خورده است و از جایگاه برحقش محروم شده است. ماهاتیر به همراه رزالیق به جلسه‌ای که از سوی حسین اون در کاخ رسمی نخست‌وزیر در کوالالامپور برگزار شد، دعوت شده بودند. ماهاتیر ذکاوت بیشتری به خرج داد و به آنها گفت که به دلیل کسالت سکوت می‌کند و حرفی نمی‌زند. هیچ تردیدی وجود نداشت که دکتر ماهاتیری که معاون رییس یومنو و معاون نخست‌وزیر بود، جایگزین او می‌شد. رزالیق وزیر دارایی و نایب رئیس اول حزب بود. رزالیق گفت: «حسین از هر دوی ما خواست که با هم کار کنیم که ماهاتیر هم در آن جلسه تایید کرد، من فکر

1- Mahathir B. Mohamad, "Problems of Democratic Nation-Building in Malaysia", *Solidarity* (Philippines), October 1971.

می‌کردم ما با هم تفاهم داریم و می‌توانیم همکاری کنیم».<sup>۱</sup>

رزالیق با تصور اینکه در توافق ضمنی بر سر نایب‌رئیس چالشی نخواهد داشت، برای پشتیبانی از ریاست ماهاتیر گفت: «من همه‌جوره حامی او هستم». اما وقتی ماهاتیر، بی‌رقیب نامزد ریاست شد، رزالیق در تصدی معاونت، موسی هیتیم، وزیر آموزش و پرورش، را رقیب خود یافت. ماهاتیر که در فکر تقویت تسلط خود بر حذب بود، هیچ‌یک را تایید نکرد، چون ممکن بود باعث ناخشنودی یکی از رقبای قدرتمند خود و گروه بزرگی از حامیانش شود. در عوض، اقدام دموکراتیکی کرد و انتخاب را به مجمع عمومی یومنو واگذار کرد. اگرچه وی در پشت این موضع‌گیری ظاهراً بی‌طرفانه‌اش، از موسی که روابط شخصی دوستانه‌تری با او داشت، حمایت کرد. دکتر ماهاتیر نسبت به رزالیق جاه‌طلب و اعیان‌زاده که از دید وی، وضعیت و نسبت سلطنتی‌اش نقیصه دیگری برایش بود، محتاطانه رفتار می‌کرد. ماهاتیر با حمایت مخفیانه از نامزد شدن موسی، امیدوار بود رشد سریع رزالیق را بتواند تحت کنترل درآورد، در حالی که به خاطر داشت که موسی پشت آن لیبخند ظاهری‌اش، به مقام بالادست خود چشم طمع دارد.

هنگامی رزالیق به ماهاتیر گفته بود که باید «مثل یک پدر» رفتار کند، نه اینکه جانب یک طرف را بگیرد. او در سال ۱۹۷۶ برای متقاعد ساختن حسین اون که دوست خانوادگی و نزدیک او بود گفت: «من به راحتی می‌توانستم معاون نخست‌وزیر شوم» تا به این طریق حسین اون به رزالیق اجازه دهد دکتر ماهاتیر را بر سر نایب‌رئیس حزب به چالش بکشد. آن زمان رزالیق گفت: «حسین مطمئن نبود که ماهاتیر باید به این سمت منصوب شود، چون حسین هرگز به ماهاتیر اعتماد نداشت، هرگز ماهاتیر را دوست نداشت». رزالیق اظهار کرد که او به حسین پیشنهاد کرده که دکتر ماهاتیر را انتخاب کند: «من هم می‌توانستم برنده شوم، اما می‌خواستم کاملاً بی‌طرف باشم، چون هم حزبی بودیم و نمی‌خواستیم با احزاب دیگر مبارزه کنیم».<sup>۲</sup>

رزالیق در رقابت با موسی، احتمال بُرد بیشتری داشت، اما این گفته او که

1- Interview with Tengku Razaleigh Hamzah, 21 March 2007.  
2- Cheong Mei Sui and Adibah Amin, *Daim: The Man Behind the Enigma*, p. 30.